

مهاجر

(مجموعه‌ی داستان)

علی ملازاده (مهربان)

سرشناسه : ملازاده، علی، ۱۳۳۳ -
 عنوان و نام پدیدآور : مهاجر (مجموعه‌ی داستان) / علی ملازاده (مهربان).
 مشخصات نشر : تبریز: انتشارات نباتی: انتشارات آذر تورک، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری : ۹۲ ص.؛ ۲۱×۱۴ سم.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۹۰۰۰۷-۸
 وضعیت فهرست نویسی : فیپا
 موضوع : داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع : Short stories, Persian -- ۲۰th century:
 رده بندی کنگره : PIR۸۳۶۱/ج۲م۹ ۱۳۹۶:
 رده بندی دیویی : ۳۸/۶۲:
 شماره کتابت ملی : ۴۷۸۳۸۵۶



مهاجر (مجموعه داستان)

علی ملازاده (مهربان)

ناشر / نباتی (اهمکاری آذرتورک)

طرح جلد / مهدی ملازاده

قطع / رقعی / چاپ اول / ۱۳۹۰

حروفچینی و صفحه‌آرایی / اذین کامپیوتر

تعداد صفحه / ۹۲ / تیراژ / ۱۰۰۰

قیمت / ۵۰۰۰ تومان

شابک / ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۹۰۰۰۷-۸

مرکز فروش: تبریز- مابین سه راه طالقانی و تربیت -

مجمع تجاری استاد شهریار زیرزمین - پلاک ۴۶ - تلفن: ۳۵۵۴۷۵۱۰

تهر مت

۷ پیشگفتار

بخش اول: داستان‌های کوتاه

۱۳ کفش‌های بچه‌گانه

۱۹ حیوان باوفا

۲۵ عقاب

۳۱ مرغ گل سرخ

۳۳ مهاجر

۴۱ آغا علی دایی

۴۹ پینه دوز و شاگردش

۵۳ کشف

۵۷	قهرمان.....
۶۳	فقر.....
۶۷	طاهره.....
۷۳	خوشحالی.....

بخش دوم: خاطره‌ها

۷۹	دیدار با حبیب ساهر.....
۸۱	دیدار با بالاش آذراوغلو.....
۸۳	مکتوب‌های منظوم و دیدار با استاد هاشم ترلان.....
۸۹	میدان آبی تهران.....
۹۱	پس‌گفتار.....

پیشگفتار

شب‌هایی که خوانا، دخترم در خانه ما مهمان بودند، دختر کوچولویم (نوه‌ام) بغل من می‌خوابید و من این قصه می‌گفتم تا خوابش ببرد. او بیشتر قصه‌ها را حفظ کرده بود «مرغابی‌ها و لاک‌پست»، «ماهی سیاه کوچولو»، «پسرک لب‌فروش»، «شیر خشمگین و خرگوش دانا»، «روپاه و کلاغ»، «چنار غمگین» و... همگی قصه‌هایی بودند که چندین بار گفته شده بودند.

شب‌هایی که می‌خواستم برای خوابیدنش قصه‌ای از برایم بگویم، همینکه گفتم یکی بود، یکی نبود، او گفت باباجون می‌خواهم برایم قصه راست و واقعی بگویی، گفتم عزیزم، منظورت از قصه راست و واقعی چیست؟ او گفت: این قصه‌ها که تا حال گفته‌ای، راست نبودند، ماهی و مرغابی و لاک‌پشت و شیر و روباه و خرگوش و درخت که نمی‌توانند سخن بگویند. من می‌خواهم قصه‌هایی برایم بگویی که راست و درست باشند.

سخن او مرا به فکر فرو برد. او راست می‌گفت، عوامل این قصه‌ها قادر به تکلم در خور فهم و درک ما نیستند و صداهای آنها را شاید هم‌نوعان

خودشان بفهمند. آدم‌ها سخن و قصه و غصه و درد دل خود را از قول و زبان آنها می‌گویند و هدف و منظورشان را از زبان آنها بیان می‌کنند.

بیشتر به این مهم فکر می‌کردم که چرا قصه‌ها برای خواباندن و بخواب بردن بچه‌ها گفته می‌شوند، قصه‌ها باید برای بیدار شدن گفته شوند.

خواسته کودکانه او نگاه مرا به قصه‌ها تغییر داد. آری قصه‌ها سرگذشت انسان‌ها یا موجوداتی هستند که باید از آنها درس و عبرت گرفت و بیدار شد.

قصه‌ها، سرگذشت و ماجراهایی هستند که می‌توانند موجب و موجب آگاهی و بیداری و هوشیاری باشند و انسان را از بیهودگی نجات دهند.

«جوانسازان نهر» نخست‌وزیر و یارو یاور با تدبیر و ژرف‌اندیش «ماهاتما گاندی» سلحشور رگ هند می‌گوید:

«قصه و سرگذشت پیش‌نیا را بخوانید و از آنها پند و عبرت بگیرید تا اشتباهات به وقوع پیوسته را بار دیگر تکرار نکنید». کلام زیبایی است.

آری در این صورت نه تنها اشتباهات گذشته تکرار نمی‌شود، بلکه یافته‌های علمی و تجربی نیز برای ادامه راه بکار گرفته می‌شوند و مجبور نمی‌شویم که

به دنبال نایافته‌ها و مجهولاتی بگردیم که پس از یافتن و اکتشاف و نیل به آنها، ببینیم که قبل از ما کشف شده و ما بی‌خبر و اطلاع، بی‌پایان تلاش کرده‌ایم.

مطالعه و پژوهش انسان را روی خط مستقیم ترقی قرار می‌دهد و پیش می‌برد ولی غفلت و بی‌اطلاعی انسان را روی خط دایره می‌چرخاند و پس از طی

۳۶۰ درجه (طول خط، محیط دایره) بدون تفکر و اندیشه و برنامه‌ریزی به نقطه اول و آغازین خود می‌رساند و این کار هی تکرار می‌شود و آخر هیچ!!

بالاخره روش قصه‌گویی تغییر یافت. قصه‌های دختر کوچولویم را از نوع واقعی و درست کودکانه انتخاب کرده و برایش نقل کردم و در این میان از

بی‌شمار سوزدهایی که همه جا رخ می‌دهد، چند نمونه برای نوجوانان و جوانان عزیز انتخاب کرده و در این جزوه مختصر تقدیم می‌نمایم تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

علی ملازاده (مهربان)

زمستان ۱۳۹۵